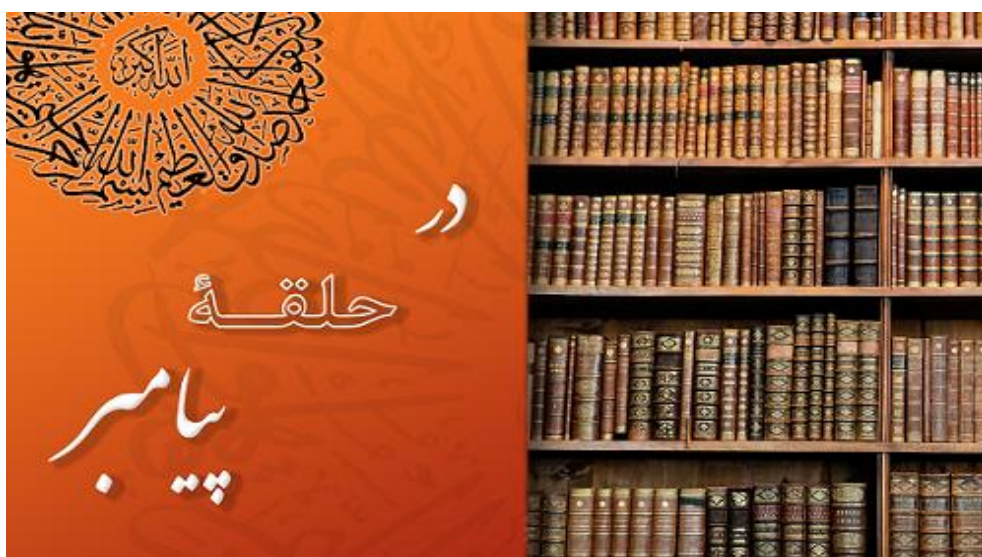


مردی از این امت با آواز بلند خواسته می‌شود



«عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَمْرٍو يَقُولُ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «يُصَاحُ بِرَجُلٍ مِنْ أُمَّتِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَلَى رُءُوسِ الْخَلَائِقِ فَيُنْشَرُ لَهُ تِسْعَةٌ وَتِسْعُونَ سِجِلًّا كُلُّ سِجِلٍّ مَدَّ الْبَصَرَ ثُمَّ يَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: هَلْ تَنْكُرُ مِنْ هَذَا شَيْئًا؟ فَيَقُولُ: لَا يَا رَبِّ، فَيَقُولُ أَظْلَمْتِكَ كَتَبْتِي الْحَافِظُونَ؟ ثُمَّ يَقُولُ: أَلَيْكَ عَنْ ذَلِكَ حَسَنَةٌ؟ فَيَهَابُ الرَّجُلُ فَيَقُولُ: لَا، فَيَقُولُ: بَلَى إِنَّ لَكَ عِنْدَنَا حَسَنَاتٍ وَإِنَّهُ لَا ظُلْمَ عَلَيْكَ الْيَوْمَ، فَتُخْرَجُ لَهُ بَطَاقَةٌ فِيهَا أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، قَالَ: فَيَقُولُ يَا رَبِّ مَا هَذِهِ الْبَطَاقَةُ مَعَ هَذِهِ السِّجِلَّاتِ؟ فَيَقُولُ: إِنَّكَ لَا تَظْلَمُ فَتَوَضَعُ السِّجِلَّاتِ فِي كِفَّةٍ وَالْبَطَاقَةَ فِي كِفَّةٍ فَطَاشَتْ السِّجِلَّاتُ وَتَقَلَّتِ الْبَطَاقَةُ»

(أَخْرَجَهُ ابْنُ مَاجَةَ وَابْنُ حِبَّانَ فِي صَحِيحِهِ وَالْحَاكِمُ وَالْبَيْهَقِيُّ، وَقَالَ الْحَاكِمُ: صَحِيحٌ عَلَى شَرْطِ مُسْلِمٍ)

ترجمه: از عبدالله بن عمرو رضی الله عنهما روایت است گفت: رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: در روز قیامت مردی از امت من در پیشوای خلائق خواسته می‌شود و برایش نودونه دفتر گشوده می‌شود، هرکدام آن‌ها به اندازه دید چشم امتداد دارد؛ بعداً الله (سبحانه و تعالی) برایش می‌گوید: آیا چیزی از این‌ها را انکار می‌کنی؟ او می‌گوید: نخیر، ای رب من، باز الله (سبحانه و تعالی) می‌گوید: آیا نویسندگان محافظ من (ملائک حفظه) بر تو ظلم نموده‌اند؟ بعداً الله (سبحانه و تعالی) می‌پرسد: آیا از این‌ها (دفاتر) از تو حسنه‌ای وجود دارد؟ آن شخص فریاد می‌زند و می‌گوید: نخیر، یا الله! الله (سبحانه و تعالی) می‌گوید: بلی، از تو نزد ما نیکی‌هایی وجود دارد و امروز بالای تو ظلم نمی‌گردد. پس برایش دفتر کوچکی را باز می‌نمایند که در آن نوشته است "أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ" آن شخص می‌گوید: یا الله! این دفترچه کوچک همراهی دفاتر دیگر چیست (چگونه برابری خواهد کرد)؟ الله (سبحانه و تعالی) می‌گوید: بر تو ظلم کرده نمی‌شود، همه دفاتر در یک کفه (پله) ترازوی میزان گذاشته شده و این دفترچه کوچک در کفه دیگر گذاشته می‌شود، در آن کفه ترازو که آن دفترچه کوچک نهاده شده ثقیل می‌گردد.

ابن تیمیه رحمه الله می‌گوید: یک نوع عملی وجود دارد که انسان آن را طوری انجام می‌دهد که در آن اخلاص و بندگی اش کاملاً به خاطر الله سبحانه و تعالی می‌باشد؛ الله سبحانه و تعالی به واسطه آن عمل، گناهان بزرگ او را مورد عفو قرار می‌دهد. چنان‌چه در حدیث فوق به خوبی واضح گردید.

رحمت الله سبحانه و تعالی همه اشیاء را احاطه نموده و آن خالق عظیم و مدبری است که اجر بزرگ در مقابل اعمال اعطاء نموده، اگرچه آن عمل کوچک بوده باشد. از حضرت ابو هریره رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود:

«إِنَّ شَجْرَةَ كَانَتْ تُؤْذِي الْمُسْلِمِينَ فَجَاءَ رَجُلٌ فَقَطَعَهَا فَدَخَلَ الْجَنَّةَ»

(صحیح مسلم باب فضل الازالة الاذی عن الطریق)

ترجمه: مردی به خاطر قطع نمودن درختی که مسلمین را اذیت می‌نمود، وارد بهشت گردید.

در حدیث دیگری از حضرت ابوهریره رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود:

«مَرَّ رَجُلٌ بِغُصْنِ شَجْرَةٍ عَلَى ظَهْرِ طَرِيقٍ فَقَالَ وَاللَّهِ لَأُنْحِيَنَّ هَذَا عَنِ الْمُسْلِمِينَ لَا يُؤْذِيهِمْ. فَأَدْخَلَ الْجَنَّةَ»

(صحیح مسلم باب فضل اماطة الاذی عن الطریق)

ترجمه: مردی از کنار درختی که مسلمانان را اذیت می‌نمود، می‌گذشت؛ با خود گفت: قسم به الله (سبحانه و تعالی) این را از بین می‌برم تا مسلمانان را اذیت نکند؛ پس به سبب این کارش وارد بهشت گردید.

دوستان گرامی! دقت نمایید، وقتی که دور نمودن اشیای اذیت کننده از راه مسلمین چنین پاداش داشته باشد، پس چه نظر دارید، در حق آن کسی که کمبودی‌های امت اسلامی را از بین برده، ضرر و اذیت حکام را دور نماید و اذیت کفار استعمارگر را از بلاد مسلمین ریشه کن کرده و به جایش خلافت راشده را که بالای امت اسلامی به عدل حکم نموده، ظلم و ستم را دور کند قایم گرداند.